

فرهنگ فردا

جامعه‌فردا

روزنامه صبح ایران

پنج‌شنبه ۷ دی ۱۳۹۶

سال اول، شماره ۴۸

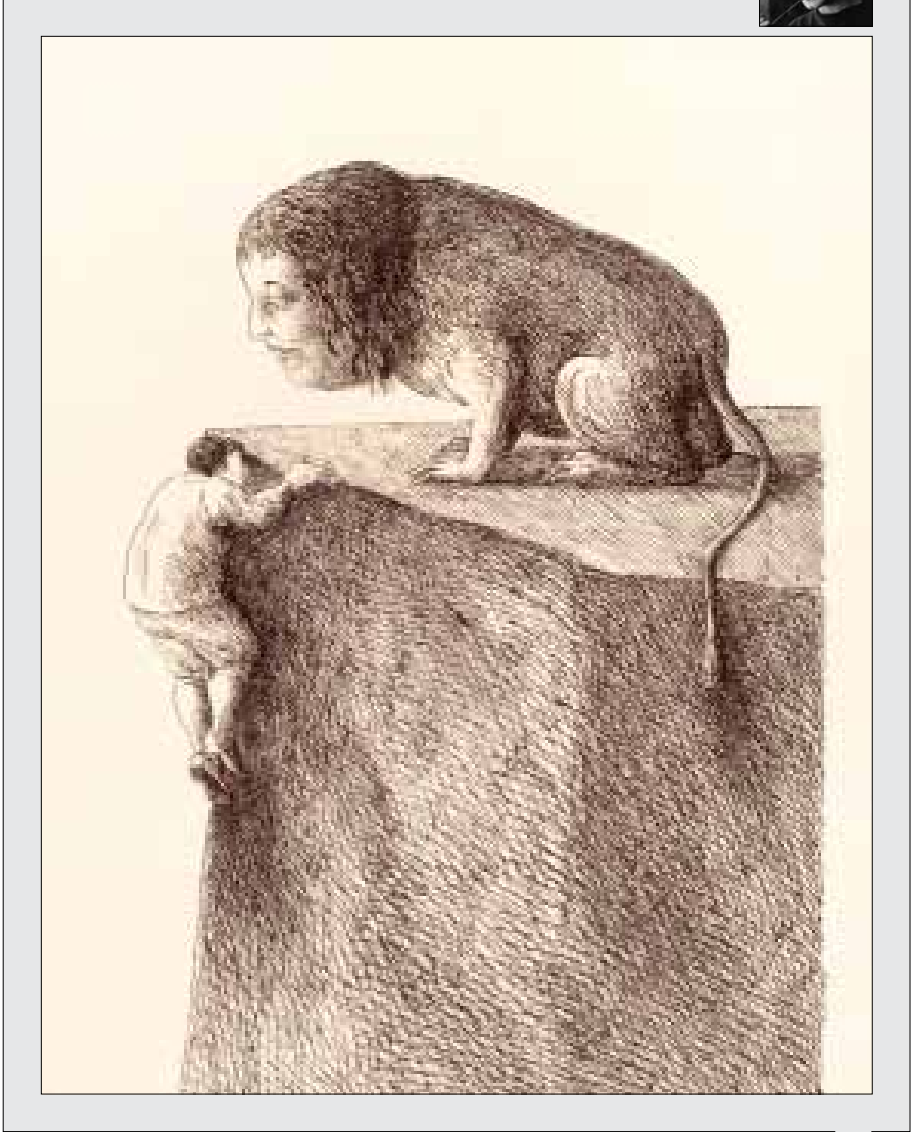
Culture@Jameefarda.com

J A M E - E - F A R D A N E W S P A P E R



رولاند توپور

طرح



وقتی آن چینیستی

برای مواجهه با خطر چقدر آمادگی داریم؟



رضیه انصاری

نویسنده

در افسانه‌ها و اساطیر، قهرمان‌ها در برهه‌ای از زندگی عزیمت می‌کنند، به حقیقتی دست پیدا می‌کنند و از سفر باز می‌گردند. سپس در بازگشت شهری می‌سازند که محصول آن جست‌وجو است. امروزه اما شهر و شهرسازی و شهرنشینی مفاهیم دیگری دارد و داستان تهران بزرگ، داستان دیگری است. تهرانی که به‌خاطر مرکزیتش، بر اثر مهاجرت از شهرهای دیگر، حالا بیش از ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد، تقریباً همه نهادها و سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها و مشاغل مهم را در خود جای داده و مناطق مختلفش بر گسل‌های اصلی و فرعی متعددی بنا نهاده شده‌است. شهری که بیش از نیمی از آن با زلزله‌های مثلا هفت ریشتری، تخریب خواهد شد.

۱۴ سال از زلزله‌یم گذشته و روند بازسازی ارگ بم هنوز ادامه دارد. آسیبدیدگان زلزله اخیر کرمانشاه در سر پل ذهاب هنوز نیازمند کمک‌اند و آذوقه و پوشاک گرم و سرپناه می‌خواهند. در این اثنا، تهران تان بزرگ شایه لرزد. مردم، هراسان و نگران، از بیم جان، از خانه‌ها بیرون زدنند. تا صبح داخل ماشین‌های روشنشان، در فضاهای باز گذرانندند و فرادیش دوباره به همان چهار دیواری‌ها پناه برند. خطر به‌دا پرس زدنند و به یکجانشینی خود ادامه دادند.

نتیجه،افزایش آلاینده‌هاوارای حدعیرمجاز بنفش شد،صف‌طویل پیمپ بنزین‌ها، بسته شدن بزرگ‌راه‌ها، کمی بحث درباره اینکه آیا ذات زلزله قابل پیش‌بینی است یا نه و امکان انتقال پایتخت هم که به‌کلی منتفی است. در زلزله کرمانشاه هم پیش آمد. مردم به یاری مردم شتافتند، به‌طور پیوسته و با ناگهی به زمینه‌نیاز، مادی و معنوی، کمک‌هایشان را عرضه کردند، نتیجه این شد که ستاد مدیریت بحران هم اگر ضعیف عمل کند، مردم پاری گرم می‌شوند و کمک‌های دولتی در مقایسه با حمایت‌های مردمی بسیار ناچیز است و حساب نشده و با تأخیر می‌رسد و توزیع مناسبی هم نمی‌شود. باز بحث آموزش از سنین پایین در مدارس طرح شد و ضرورت فرهنگسازی و حساسیت‌دهن شرقی به میان آمد. اما پس از چند روز همه به فراموشی سپرده شد و جز چند عدد و جدول آماری و نقشه زمین‌شناسی، چیز مفیدی به‌جا نماند و کسی از اهالی شهر یا نهادی از نهادهای دولتی، برای آینده‌ای دور یا نزدیک، قصد رفتن به جایی دیگر و انتقال یافتن را نکرد.

سرزمین پهناور ایران، از سواحل خزر در شمال تا بندرهای جنوب و از مرزهای شرقی و کوبهرای وسیع تا سلسله جبال زاگرس در ناحیه غرب، با جلگه‌ها و گنبد‌های نمکی و مناطق نفت‌خیز، بافت زیست‌محیطی و اقلیم‌های متنوعی دارد. از همین روی در معرض انواع بلایای طبیعی و حوادث طبیعی غیرمترقبه نظیر سیل و زلزله و… است. هنوز زخم سیل‌زدگان آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل تازه‌است. خطر بسیار محتمل کم‌آبی و خشکسالی در سال‌های اخیر با قدرت بیشتری تهدید می‌کند. غبار و ریزگردها هم هر به چندی از شهرهای مرزی غربی و جنوب غربی هجوم می‌آورد. کایوس تهران و تهرانی‌ها هم که پابر جاست و این میان پرشنسی که سرگردان و پلاکتلیف مانده، برای مواجهه با خطر چقدر آمادگی داریم؟

وزیر نیرو در «نیرو و سرمایه»



تازه‌ترین شماره فصلنامه «نیرو و سرمایه» ویژه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق به مدیریتمسئولی عباس خالندنژاد و سردبیری اصغر آریانی پور منتشر شد. گفت‌وگوی ویژه این شماره با «ضارذ کانیان»؛ وزیر نیرو دولت دوازدهم به

انجام رسیده‌است.او در صحبت‌های خوداز «برخاخت مطالبات بخش خصوصی سیاست ماست سخن گفته و تصریح کرده «الزامات بهبود شرایط کسب و کار بخش خصوصی صنعت برق این است که دولت برای پرداخت مطالبات آنها به نحو مناسب‌تری عمل کند». گفت‌وگوهایی با حسن بهرام‌نیا و هدایت‌الله خادمی؛ دو عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و رضا پدیدار؛ رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی

تهران به همراه گزارش میدانی از نیروگاه رودشور و نشست مشترک مدیران تشکل‌های غیردولتی صنعت برق و همچنین تازه‌ترین اخبار صنعت برق و البته مسروری بر صنعت برق اندونزی، از دیگر بخش‌های این شماره است. شماره ۲۱ مجله نیرووسرمایه در ۶۴صفحه نشر یافته‌است.

کتابخانه

روایت شاه منفور



تو جهانی به خون آلودی و انجامت نیز چنین خواهد بود؛ زندگی‌ات به رسوایی گذشت و مرگت نیز فرین رسوایی خواهد بود…

نمایشنامه ریچارد سوم که در سال ۱۵۹۲–۳ نوشته شده، از همان آغاز با استقبال فراوان خوانندگان و تماشاگران روبه‌رو شد، چندان که آن را در کنار هملت و رومئو و ژولیت در شمار محبوب‌ترین آثار شکسپیر جای داده‌اند. این نمایشنامه داستان شکسپیر سیمای این مرد زشت‌صورت و زشت‌سیرت را چنان تصویر کرده که حضورش بر صحنه، همه شخصیت‌های دیگر را به محاق می‌برد. نمایشنامه را عبدالله کوثری به‌نازگی ترجمه دوسپاره‌ای کرده و نشر نی منتشر کرده است. کوثری پیش از این گنجینه‌ای از آثار ادیبی آمریکای لاتین را ترجمه کرده و از پیشستاناران این عرصه به‌شمار می‌رود. او همچنین تراژدی‌های بزرگ یونان چون آثار آیسیخولوس و سنکنا و انورپیدیس را به فارسی برگردانده است.

یادبود

قرار است کتابخانه «هما ناطق» در پایتخت تاجیکستان افتتاح شود

از «اور – ار – لوار» تا «دوشنبه»: ۲ سال بعد…



حمید رضا محمدی

روزنامه‌نگار

دو سال پیش درست در همین روزها (۱۲ دی) درگذشت، در سکوت خبری، در غربت غرب، او که زاده ارومیه بود، در دهکده «اور – ار – لوار» در ۱۶۰ کیلومتری جنوب‌غربی پاریس، در ۸۱سالگی دارفانی را وداع گفته بود. تاریخ‌نگاری خیره و زبده بود. هم درباره میرزاجا کرمانی و آقاخان کرمانی اثر دوهم در خصوص روزنامه قانون ملکم خان و بانک‌شاهی و امتیاز رژی، جد پدری‌اش از مبارزان مشروطه بود و اجداد مادری‌اش، از فرزندان امیرکبیر، در فرانسه درس خوانده بود – و از قضا در همان سرزمین هم در گذشت– از پایان‌نامه دکترایش با حمایت مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS)، درست نیم‌قرن پیش با محوریت سیدجمال‌الدین اسدآبادی دفاع کرد و همان مکتوب، سبب شد تا اسباب استخدام او در گروه تاریخ دانشگاه تهران، توسط سیدحسین نصر فراهم شود.

یک‌دهه در آنجا تدریس کرد تا آنکه به اجبار و الزام، جلالی وطن کرد.

در هسان اثنا هم‌زمان با پانزشتگی ژیلبر لازار در سوربون فرانسه، تدریس تاریخ و ادب فارسی به‌عنوان دستیار شارل هاتری دوفوشکور را به او پیشنهاد کردند و وی در موسسه پژوهش‌های ایرانی دانشگاه سوربن مشغول شد؛ همان جایی که ده‌ها جلد کتاب خطی هدیه ناصح ناطق (پدرش) به‌خوبی نگه داری شده‌است. او به چنان اعتباری دست یافت که یازده سال پیش از فوتش، دکترای افتخاری موسسه ملی زبان‌ها و تمدن‌های شرقی فرانسه (INALCO) را دریافت کرد. او که نامش هم تراز و هم ردیف با «فریدون آدمیت» خوانده می‌شود و البته خودش او را «استاد خود» می‌دانست، «لیکن سلیقه او را در باره برخی» نمی‌پسندید: «از جمله با دفاع سرسختانه او از ملکم موافق نیستم».

اگر چه مورخی می‌طرف نبوداما کوشید در تاریخ‌نگاری‌اش «نه برای آکندن انیان ذهن از اطلاعات مششت و عمدتا غیرمرتبط به هم، بلکه برای «ایضاح و فهم» جایگاه ایران زمین در تاریخ جهانی سده نوزدهم و بیستم مورد توجه قرار می‌داد.» «فزون بر این، بخش مهمی از اندیشه تاریخ‌نگاری جدید مرهون نوشته‌های ارزشمند تاریخ‌پژوهی ناطق است. اندیشه‌ای که در به وجود آمدن آن نقشی موثر داشت. به بیان درست، «همای» بال‌های اندیشه‌اش را آنگونه که خود می‌خواست و می‌پنداشت بر فراز پژوهش‌های تاریخی واجتماعی گسترانید. او مقلد قلم‌گذشتگان نبود، بلکه مبدع اندیشه‌های نو بر پایه تحلیل واقعه با تکیه بر اسناد تاریخی بود.»



هم‌ناطق در کنار فریدون آدمیت ایرانیزد

حالا خبر رسیده، مقرر شده دو سال پس از وداع با «هما ناطق»، کتابخانه شخصی‌اش که بالغ بر ۵ هزار جلد کتاب را شامل می‌شود، به دوشنبه، پایتخت تاجیکستان منتقل شود، که این طبیعتاً همه مجموعه گرانسنگ او را در برنمی‌گیرد. اگر چه او بسیار دوست داشت تا این اتفاق در ایران بیفتد، اما قرار است در همین روزها، این مجموعه در دیگر سرزمین فارسی‌زبان و با همکاری فرهنگستان علوم تاجیکستان به وقوع بپیوندد که به گفته مسئولانش اکنون امکانی فراهم شده تا محققان و دانشجویان و استادان دانشگاه‌های تاجیکستان نیز از این کتب با ارزش و نادر استفاده کنند.

جالب آنکه پدرش نیز علاقه داشت تا کتابخانه‌ای در تبریز داشته باشد. مخاطب این کتاب‌ها در حوزه‌هایی چون تاریخ، ادبیات، منطق، ریاضی و پزشکی است اما هنوز هستند کتاب‌ها– و به‌ویژه اسناد– بسیاری از او که مانده‌اند در ارومیا. این رخداد خجسته به‌همت «هام‌اشه» انجام شده و «مزه فریدونوا» سرپرستی این کتابخانه را برعهده دارد.

اما «حسین آبادیان»؛ استاد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، درباره جایگاه تاریخ‌نگاری این یابوی فقید می‌نویسد: «ناطق ضمن اینکه پیوستگی تاریخی ایران با نظام سرمایه‌داری جهانی را در کالبدی مستند به نمایش می‌گذارد، در حرکت مستمر و مداوم اما طی ادغام ایران در این نظام جهانی را توصیف می‌کند، بدون اینکه شعار بدهد و از واژگان و ایدئولوژی‌های مرسوم زمان خود استفاده کند. نظر به اینکه دکتر ناطق مثل همکارش دکتر آدمیت با کلیشه‌های معمول تاریخ‌نگاری و خط‌کشی‌های متداول در این زمینه فاصله داشت، دوستانش بس اندک بودند. به‌عبارت دقیق‌تر در عسرت روح آزادی و فقدان آزاداندیشی و به‌دلیل «تمایز» تاریخ‌نگاری ناطق با کلیشه‌های رایج و کسل‌کننده زمانه مسا، کمتر کسی او را درک می‌کرد یا اگر هم می‌فهمید او چه می‌گوید، «هم نام و نشان» اجازه نمی‌داد از حقیقت دفاع کند و جدا شد از آن‌که اشاره کند که او هم مورخ و نویسنده‌ای است در کنار مورخان و نویسنده‌های دیگر، پس «ساید» او هم به‌رهای از حقیقت برده باشد که برای نسل کنونی مفید فایده باشد، حال چه بهتر که دانشه‌های او را هم در کنار دیگران مورد مطالعه و بازکاوی قرار دهیم تا افقی نوین به روی هر گونه تاریخ‌نگاری فردا گشوده شود.»

به قول مردم گفتنی ۴۷

وقتی نتوانست بیدار شود



جواد مجابی

نویسنده و شاعر

● اتفاق افتاد که تا به عالم خواب رفت نتوانست بیدار شود و نشد. مدتی که آنجا ماند، بی‌خبر از اینکه کی بوده و چه کار می‌کرده، به فکر این افتاد که شغلی دست‌وپا کند و کرد، زن بگیرد، گرفت، بچه‌دار شود، صاحب دو دختر و یک پسر شد. تصمیم گرفت خوشبختی خود را حفظ کند، به آسانی میسر شد. ادامه داد به زندگی رویایی.

● چون خوشبخت بود هیچ کس مزاحمش نبود، به سفر می‌رفت و به هر جا و با هر کس و هر طور که می‌خواست. گاهی در این خفت و خیز و جنگ و گریز بلایی سرش می‌آمد و ناکامی‌هایی می‌دید اما بی‌دلیلی ناگهان سرشکستگی می‌شد سرفرازی، ناکامی‌اش بغتاً می‌شد کامروایی، گاهی هم نمی‌شد اما غمی نبود. آنها که عوالم رویا را اداره می‌کردند نمی‌گذاشتند به اهالی بد بنگار.د. با حفظ خوشبختی لفظاتی از بدبختی را هم تجربه می‌کرد. به‌محض اوج‌گیری فشار معمولاً آدم‌از خواب می‌پرد و نمی‌پرد، خوابش عمیق‌تر می‌شد.

● تصمیم گرفت بدانداهل چه کشوری است. از هر کسی پرسید چیزی نمی‌دانست. بالاخره رسید پیش مقامات. گفتند: اینجا تو مجبوری که آزاد باشی از تابعیت، تعلقات، محدودیت‌ها و از خویشاوندی. حتی از حال و روز خودت.

● کسانی دوروبرش می‌مردند دوباره زنده می‌شدند، می‌رفتند جایی و انگار نمی‌رفتند. دور می‌شدند برای آنکه نزدیک بشوند. جاذبه و فاصله، دیوار و درِی او را محدود نمی‌کرد تا آن حادنه‌برایش پیش آمد. یک روز که سرگرم‌شاندر اقیانوس بود چهره‌زنی را روبه‌رویش دید که او را شنا یافت. زن گفت «بی‌وفا!» موج‌ها او را دوباره بلعیدند. همان طور که در اقیانوس پیش می‌رفت حس کرد روی ابر نشسته، چهره زن پیدایش بی‌کلامی.

● در انبوه خوشبختی‌هایش این چهره شد نقصان زیستی او. وقتی که پر از می‌کرد تا چهره را می‌دید فرو می‌افتاد از فضا. وقتی که در چشم‌زدنی از مشرق به مغرب می‌رفت اگر چهره آشکار می‌شد قدم از قدم نمی‌توانست بردارد. به هنگام سخنرانی با دیدن چهره لال می‌شد و کر. در لشکر کشی‌های جهانشناپانه‌اش با یاد آن چهره، نه لشکری به جا بود نه دشمن، ناگهان کف خیابان ولو بود. ظهور چهره چون سوزنی بود به باد کتک وجود او.

● به یاد تذکر داده‌شد که نباید آن چهره را فرخواند. او پرسید: چهره به چه کسی تعلق دار؟ به او گفته‌شند. اما چهره گاه و بپی گاه ظاهر می‌شد. گفته‌شد این کار موجب اخراج او خواهد شد. او گفت: در فراخوان وی بی‌تقصیر بودم. تذکر داده‌شد این عالم جاری تعلقات نیست. معنای حرف آنها را نفهمید اگر چه چندان نفهم نبود.

● یک شب که آن جلف ملنخوف در حالتی دنگ و منگ بود، چهره ظاهر شد اما او نمی‌دیدش کجاست. از صدایش تشخیص داد که او حاضر است. ناگهان صدایش را شناخت. زنی بود که او دوستش داشت. بیشتر که نوشید او را بیشتر به‌جا آورد، زنی که عمری با او هم‌خانه بوده. معلوم شد «بی‌وفا» به شوهر پیشین خطاب می‌شه.

● باال تکاپ این یاد اواری و ارتعید کردند از عالم رویا. پس از دریافت حکم، پافشاری پرگر به‌ای کرد که نمی‌خواهد به هیچ‌جا– جز این‌جا– برود. ارفاق عمد‌های در حشش کردند که تا حالا در حق هیچ‌انس و جنی نشده بود. اجازه دادند با نیمی از وجودش تبعید شود. اختیار داشت نیمه بالایی وجودش را با خود ببرد یا نیمه پایینش را. چند قرن یا چند دقیقه بود او گذشت و نمی‌توانست یکی از این دو گزینه را اختیار کند. در مشورت بهش گفتند: نیمه پایینت اینجا کارآیی بیشتر دارد. ناگزیر تن در داد. در وضعی نیمه‌کاره تبعید شد به عالم بیداری.

خبر آخر

به بهانه انتشار آلبوم تازه «حمید متبسم» با خواننده زن و مرد

«تار و پود» را بادو نوابشنوید

جامعه فردا؛ بیش از سه دهه است که بخش صدای آواز زن در کشورمان ممنوع است و خوانندگان زن با پایبندی به این قانون کنسرت‌هایشان را در طول سال و ویژه باتوان برگزار می‌کنند. اما برخی آهنگسازان که فعالیت‌های برون مرزی نیز دارند در قالب کنسرت‌هایشان در خارج از کشور از حضور خوانندگان زن بهره می‌برند که از آن جمله می‌توان به حمید متبسم نوازنده و آهنگساز اشاره کرد. او که سال‌هاست با گروه دستان کنسرت‌هایی را اسپانیا، مینیسوتا و مینه‌سوتا و محمدخانی در کشورهای مختلف دنیا برگزار کرده در تجربه جدیدی از صدای زن در انتشار آلبومش نیز استفاده کرده است. هر چند که او به قوانین کشور احترام گذاشته و آلبومش در خارج از ایران را با صدای مهدی محمدخانی و در داخل کشور با صدای وحید تاج منتشر کرده است در واقع آلبوم «تار و پود» را می‌توان با صدای دو خواننده شنید.

وحید تاج خواننده آلبوم «تار و پود» که در ایران منتشر شده، در مراسم رونمایی این اثر که روز گذشته در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد، در این خصوص گفت: امیدوارم روزی در ایران شرایط برای شنیدن صدای خوانندگان زن فراهم شود تا آهنگسازان بزرگی مانند متبسم ناچار نشوند برای یک اثر، با دو خواننده با جنسیت‌های متفاوت کار کنند. حمید متبسم نیز درباره این آلبوم گفت: هر اثری که در دوران کاری‌ام ساختم یک انگیزه‌ای برایش داشتم.ام، شکر گرام که در دورانی زندگی کردم که استانی مانند فرامرز پایور را دیدم و تجربه ب کردم. شاهد بودم که چگونه می‌شود به موسیقی پرداخت بدون اینکه به فکر بر کردن جیب بود. این آهنگساز با اشاره به تغییر تنظیم این اثر برای صدای مرد نیز بیان داشت، در تنظیم اثر برای صدای وحید تاج تغییر زیادی ایجاد نشده، به‌جز تغییر آکتیوها.

روایت یک تصویر



آیت‌الله غفاری در کنار علامه طباطبائی

تأثیر گذار خود را با صدای بلند فریاد زد و در کاغذ اعترافات نوشت که: «دشمن خمینی کافرست و من فکر می‌کنم تنها کسی که می‌تواند ایران را نجات دهد آیت‌الله خمینی است.» این گونه بود که سرانجام در هفتم دی‌ماه ۱۳۵۲ شیخ حسین غفاری بر اثر شکنجه‌های شدید جسمی و روحی در زندان ساواک به شهادت رسید. پیکر این عالم شهید پس از تشییع باشکوه در قم در قبرستان وادی السلام این شهر به خاک سپرده شد. تصویر روبه‌رو آیت‌الله غفاری را در کنار علامه طباطبائی نشان می‌دهد.

امام خمینی(ره) در عصر عاشوراوی سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ حکومت شاه، حضرت امام و علمای دیگری را دستگیر کرد که آیت‌الله حسین غفاری از جمله آنها بود. مبارزات سیاسی این عالم مجاهد علیه رژیم منحوس پهلوی سال‌ها ادامه یافت تا اینکه سرانجام در تیرماه سال ۱۳۵۲ هجری شمسی ساواک بار دیگر او را دستگیر کرد. به گواهی اسناد تاریخی، مأموران ساواک با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها می‌خواستند این شهید را از راه و مسیری که انتخاب کرده باز دارند ولی این عالم شجاع جمله معروف و

برگزار

وقتی شایعه، خبر می‌شود

محمد حسین جهان پناه

روزنامه‌نگار علم

تری پر جت، نویسنده فقید ادبیات فانتزیی زمانی گفته بود یک دروغ ممکن است دور دنیا را بگردد در حالی که راست هنوز حتی کش‌هایش را نبوشیده‌است. بامداد چهارشنبه قلب ایران بازم لرزید. لرزشی که فقط چند ثانیه طول کشید اما عوارض ناصح گریبانگیر دل‌های نگران مردم بود. یکی می‌گفت نگران نباشید این آزمایش خفیف هارپ روی جو ایران بود، آن یکی می‌گفت اصلاً چرا همه زلزله‌هاش می‌آیند حتماً یک‌جای کار می‌لنگد، دیگری می‌گفت این قطعاً به‌خاطر مرگ فلان عالم گر اقتدر یا اصلاً تقصیر بار گناهان خود مردم است. اصلاً از کجا معلوم زلزله بود؟ دیگران هم که از پیش‌بینی زلزله چندریشتری در تهران حرف می‌زدند زلزله‌ای که همین چند هفته آینده حتما رخ می‌دهد. شایعات به همین سادگی ساخته می‌شوند و وقتی ساخته شدند دیگر هیچ چیز جلودارشان نیست. از بد حادثه حتی رسانه‌های ما هم به‌جای میانه‌داری در میدان گاهی آتش بیار معرکه می‌شوند. یکی از همین خبرگزاری‌های فخریمه همین چند روز پیش با نقل اصلاح شده براره‌هایی از یکی از استادیت‌بانم زلزله‌کشور به اشاعه‌ی یک شایعه غلط